



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

شخصیت

سیاسی ، اجتماعی و اخلاقی

رهبری نهضت عاشورا

محمد مهدی بهداروند



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# شخصیت سیاسی اجتماعی و اخلاقی رهبری نهضت عاشورا

نویسنده:

محمد مهدی بهداروند

ناشر چاپی:

حکومت اسلامی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	..... فهرست
۶	..... شخصیت سیاسی اجتماعی و اخلاقی رهبری نهضت عاشورا
۶	..... مشخصات کتاب
۶	..... شخصیت سیاسی اجتماعی و اخلاقی رهبری نهضت عاشورا
۶	..... مقدمه
۶	..... اصلاح طلبی (امر به معروف و نهی از منکر)
۷	..... عدالت خواهی
۸	..... ظلم ستیزی
۹	..... کمالات و فضائل معنوی
۹	..... استقامت در برابر مصائب
۱۰	..... زهد و رضا
۱۱	..... شجاعت
۱۲	..... جانفشانی و شهادت
۱۳	..... پاورقی
۱۴	..... درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## شخصیت سیاسی اجتماعی و اخلاقی رهبری نهضت عاشورا

### مشخصات کتاب

نویسنده: محمد مهدی بهدار وند

ناشر: حکومت اسلامی « زمستان ۱۳۸۱ - شماره ۲۶

### شخصیت سیاسی اجتماعی و اخلاقی رهبری نهضت عاشورا

یکی از راه‌های شناخت و تحلیل حادثه عاشورا، شناخت ابعاد شخصیت فردی و اجتماعی رهبری قیام است. شناخت این خصوصیات، این حقیقت را اثبات می‌کند که کسانی می‌توانند مربی انسان‌ها در طول تاریخ باشند که به دردها، درمان‌ها و روحیه‌ها آگاهی داشته باشند. امام حسین علیه‌السلام با توجه به ویژگی‌های خود همچون اصلاح طلبی، عدالت خواهی و ظلم ستیزی، آنها را در صحنه عاشورا به خوبی متجلی ساخت. در این مقاله، نویسنده ضمن پرداختن به ویژگی‌های یاد شده، کلمات و فضائل معنوی و اخلاقی امام حسین (ع) را مورد بررسی قرار داده و با ذکر سخنان امام و شواهد تاریخی نقش خصوصیتی همچون استقامت در برابر مصائب، زهد و رضا و شجاعت را در حادثه کربلا- تبیین می‌کند. وی در پایان یادآور می‌شود آن چه بر زیبایی‌های کربلا و قیام عاشورا افزوده و آن را الگویی برای تاریخ قرار داده است، روحیه استقبال از مرگ و شهادت بود که این روحیه نزد تمام ملت‌های غیر مسلمان ارزشمند و پسندیده و عامل موفقیت در راه نیل به هدف می‌باشد.

### مقدمه

سالهاست که شیعیان در سراسر جهان، در ماه محرم با چشمان اشکبار با عبور از آتش، روضه و مرثیه، سنج و دهل، خاطره قیام عاشورا را زنده نگه می‌دارند. این گذر زمان نه تنها از عمق حادثه نکاسته بلکه بر عکس بر گسترده‌گی حوزه قلمرو آن افزوده است، گویی که آفتاب آینه دار عاشورا است. تحقیق در حوزه شخصیت رهبری قیام عاشورا و رویکرد خونین در یک نیم روز، محتاج قلبی گرم و آتشین و چشمانی بارانی و بصیرتی عمیق است. محال است پژوهش در این عرصه صورت گیرد و بی عمق ارادت و معنویت جرعه‌ای از آن را درک کرد و نوشید. یکی از راه‌های تحلیل صحیح حادثه عاشورا، شناخت شخصیت فردی و اجتماعی رهبری قیام است. شناخت این خصوصیات و ویژگی‌ها، این حقیقت را اثبات می‌کند که کسانی می‌توانند مربی انسان‌ها در طول تاریخ باشند که به دردها، درمان‌ها و روحیه‌ها آگاهی داشته باشند. و این آگاهی را باید از وحی (کتاب و سنت) به دست آورد زیرا خداست که از استعدادها انسان و قلمرو استعدادهای او و از قانون‌های حاکم بر این دو آگاه است و درگیری‌ها و دردها و درمان‌ها راه حل‌ها را می‌شناسد. با نگاهی حتی سطحی به این اوصاف و رویکرد آن در حادثه کربلا به راحتی می‌توان از آن درس گرفت و رهرو آن شد. زیرا آن جا که آدمی در وسعت تربیت و هدایت مربی، آن هم مانند سیدالشهدایی باشد، راه را به راحتی خواهد پیمود و به ساحل امن دست خواهد یافت. مسلماً شناخت از عاشورا در گرو شناخت شخصیت و ابعاد شخصیت امام حسین (ع) نهفته است و این دست نوشته در حد توان خود به بخش دوم این مهم پرداخته است. ابعادی که در این جا بدان پرداخته شده، ترکیبی از ابعاد فردی و اجتماعی و انعکاس آنها در صحنه عاشوراست.

### اصلاح طلبی (امر به معروف و نهی از منکر)

یکی از ویژگی‌های نهضت عاشورای حسینی مسئله اصلاح طلبی یا فریضه امر به معروف و نهی از منکر بود. این ویژگی و خصوصیت را حضرت در وصیت نامه خود به محمد بن حنفیه صریحا اعلام نمود که «ارید ان آمر بالمعروف و انهی عن المنکر».

[۱] این مسئله از اهداف اساسی و ویژه حضرت در حادثه عاشوراست. آن چه در تحلیل اصلاح طلبی امام قابل بیان و تبیین است آن که ایشان هرگز به دنبال نفی منکرات ظاهری و جزیی نبودند، بلکه درصدد رفع منکری بودند که ریشه منکرات دیگر بود. به عبارت صحیح، امام با فریضه اصلاح طلبی قصد اصلاح یک قوم را در یک زمان مشخص نداشت بلکه هدف ایشان ایحای معروف در همه عالم و تاریخ بود. بالاترین معروف در عالم، خود ولی معصوم است، چنان که امام صادق (ع) فرمود: «نحن اصل کل خیر و من فروعنا کل خیر» [۲] و مهم‌ترین منکر در عالم، پرچمداری کفر است که ظهور و بروز آن در شخصیت‌های چون یزید و امثال او تحقق پیدا می‌کند. مبارزه حضرت در حقیقت با کفری بود که در یک نفاق پنهان جای گرفته بود. کسانی یزید را بر اریکه قدرت نشانند که خود را صحابه پیغمبر اکرم (ص) قلمداد می‌کردند در برای شخصیتی که یک فضیلت هم در او وجود نداشت تردید نکردند و او را در مقابل امام قرار دادند. یزید حتی تظاهر به اسلام هم نمی‌کرد و علنا در اشعار خود از عبارات کفرآمیزی استفاده می‌کرد: لعبت هاشم بالملک فلا خبر جاء و لا وحی نزل [۳]. از معتقدات یزید این نکته بود که بنی هاشم درصدد به دست گیری قدرت بودند و اصلا بحث وحی و قرآن مطرح نیست! بنابراین، حضرت کاملا احساس می‌کرد که دشمن درصدد است ارزشها را تغییر دهد و منکر را معروف جلوه دهد. یزید با حکومت خود درصدد تغییر فرهنگ انسانی و جامعه برآمده بود و برای این کار پوشش حق را بر قامت منکر انداخته بود تا بلکه بتواند فرهنگ اجتماعی را تغییر دهد و متحول نماید. حرکت عاشورا مقابله با یک چنین نگاه و موضع گیری است: «اشهد انک قد اقامت الصلاة و آتیت الزکاة و امرت بالمعروف و نهیت عن المنکر» [۴]. من شهادت می‌دهم که تو نماز و زکات را بر پا داشتی و امر به معروف و نهی از منکر کردی. عده‌ای در تحلیل منکر در حادثه عاشورا به بی بند و باری‌های اخلاقی، اقتصادی و اجتماعی موجود اشاره کرده ولی از اصل قضیه غفلت نموده‌اند. با نگاهی عمیق در تاریخ، به خوبی در خواهیم یافت که اصل منکر در واقعه سقیفه بنی ساعده ظهور یافت و این حادثه مدار مدیریت را در تاریخ تعویض نمود که تاکنون ادامه دارد. امام حسین (ع) در مسیر راه کربلا در خطبه‌ای با اشاره به شرایط پیش آمده و این که دنیا گریخته و معروف رخت بر بسته و به حق عمل نمی‌شود و از باطل دوری بسته نمی‌شود، شوق خود را به لقاء خدا و مرگ شرافتمندانه ابراز می‌کند و زندگی در کنار ستمگران را مایه نکبت می‌شمارد و چنین شرایطی را زمینه‌ای مساعد برای قیام می‌داند. [۵] سکوت در برابر ظلم و بدعت و انحراف، منکری بود که در آن عصر رواج داشت و مردم از ترس جان یا بیم خطرها و ضررها یا به طمع دنیا و دریافت سیم و زر، در مقابل آشکارترین منکرات که در بالاترین سطوح انجام می‌گرفت، سکوت می‌کردند. قیام کربلا راه انتقاد از حکومت جور و اعتراض علیه ستم و قیام بر ضد طاغوت را گشود و از آن پس بسیاری از خون شهدای کربلا- الهام گرفتند و مبارزات خود را مبتنی و مستند به نهضت حسینی کردند. [۶].

## عدالت خواهی

ویژگی دیگر نهضت عاشورا مسئله عدالتخواهی است که شعاع و گستره‌ی زیادی را به خود اختصاص داده است. آن چه در دوران حکومت امویان مشهود است، ستمکاری و اجحاف آنان در حق مردم می‌باشد. امام در مقابل این حرکات و رفتارهای ظالمانه حکومت و حاکم وقت راهی غیر از مبارزه در پیش نداشتند و در سخنرانی‌های خود متذکر می‌شدند که طبق دستور رسول اکرم (ص) در مبارزه با حکومت‌های سلطه‌جو و جائر، شایسته‌ترین فرد برای راه اندازی قیام علیه حکومت سیاسی است. [۷]. از نظر امام (ع) کسی حق امامت دارد که مطابق کتاب خدا حکم کند و به اقامه‌ی قسط قیام کند [۸] و حکومت بنی امیه عکس این ویژگی را دارد و باید علیه آن و برای اقامه‌ی عدل قیام کرد. ماهیت عدالتخواهی در واقعه عاشورا بیانگر قیامی با انگیزه نفی ظلم و جنایات

حکومت اموی است. جهاد و شهادت از ابزار لازم و کوبنده برای رویارویی کامل با استبداد حاکم داخلی و خارجی است. تلاش برای تأمین عدالت اجتماعی از ایده‌های بزرگ رهبر انقلاب عاشورا بود؛ ایده‌هایی که جامعه امروزی نیاز وافر بداند دارد و متفکران نوگرا با نوشته‌ها، مبارزات و با فتاوی خود، در جستجوی تحقق آنها هستند. جهاد و شهادت در راه عدالت جویی هرگز بدین معنا نیست که با دید رادیکالیستی به واقعه عاشورا نگریسته شود و تحلیل این گونه صورت گیرد که حضرت امام حسین (ع) با مرگ قهرمانانه‌ی خویش راه جدیدی را برای عدالت جویان تاریخ نشان داد و آن دفاع از آرمان خود حتی با پذیرش شکست ظاهری بود. [۹] بلکه حرکت عدالتخواهی درس بزرگی برای همه انسانهای آزاده تاریخ است زیرا او این فداکاری را در شرایطی انجام داد که در سراسر جهان، انسانی به بزرگی و عظمت وی وجود نداشت، چنان که در پستی و پلیدی نیز هیچ کس به پای یزید و دیگر دشمنان امام نمی‌رسید. در جامعه‌ی یزیدی که فساد همه جا را فرا گرفته بود و کار به جایی رسیده بود که جز قیام و نهضت برای راه اندازی عدالت اجتماعی چاره‌ای نبود آن هم به وسیله کسی که کم‌ترین شائبه‌ای ندارد و اقدامش برای جامعه سند و صحت است. بر این اساس برای ایجاد تغییر در ساختار جامعه فاسد و برای مبارزه با جور و ستم و قانون شکنی، برای حضرت راهی غیر از برافراشتن بیرق عدالت جویی و عدالت خواهی نبود تحقق آن نیز در گرو چشم پوشیدن از رفاه عادی خود و خانواده و پذیرش آن همه مصائب و شکنجه و کشته شدن و اسارت و غارت نسبت به خود و اهل بیت بود. امویان در طول دوران حکومت خود همواره هم به اهل بیت ستم کردند و هم میان بندگان خدا رفتاری ظالمانه و روشی بر اساس طغیان و عدوان پیش گرفتند. در این چنین رویکردی وظیفه هر مسلمانی ایجاب می‌کرد که با ستم مبارزه کند به ویژه کسی نظیر حضرت سیدالشهداء (ع) زیرا سکوت در مقابل حکومت باطل یزیدی و بی تفاوت بودن نسبت به وضع موجود جامعه عامل نهادینه شدن و ثبات هر چه بیشتر معیارها و ارزشهای ضد دین می‌گردید و به قدرتهای جابر مشروعیت اجتماعی و سیاسی می‌بخشید.

### ظلم ستیزی

از دیگر ویژگی‌های شخصیت رهبری قیام عاشورا ظلم ستیزی است. همواره در طول تاریخ نقطه متقابل حق و باطل در محور ظلم و ستم بر مردم بوده است که اساس حرکت انبیا در طول تاریخ قیام علیه این خصیصه ناپسند است. حضرت در اوایل حرکت خویش این ویژگی خود را ضمن خطبه‌ای چنین بیان می‌نماید: «ای مردم رسول خدا فرمود هر کس حاکم زورگویی را ببیند که محرمات خدا را حلال کرده، پیمان الهی را شکسته، با سنت پیمبر خدا مخالفت نماید و با بندگان خدا به گناه و ستم رفتار کند] و با این حال [در برابر او هیچ اقدامی عملی یا لفظی انجام ندهد، بر خداوند است که او را با آن ستمگر یک جا وارد کند. آگاه باشید که بنی امیه، شیطان را پیروی و طاعت خداوند رحمن را رها کردند، فساد را ترویج نمودند، حدود الهی را تعطیل کردند، بیت المال را به خود اختصاص دادند، حرام خدا را حلال و حلالش را حرام نمودند، و من از دیگران] برای ابراز مخالفت [سزاوارترم].» [۱۰]

حضرت با این سخنان حریم شکنی‌ها را بر حاکم و حکومت باطل و ظالم یزید بن معاویه تطبیق داد و مردم را به قیامی تمام عیار علیه او دعوت نمود و این کلمات به بیان گویاتر درصدد بیان این ضرورت است که حکومت، حق و حقانیتش بر محور معصوم است و بایستی خلع حکومت از امویان و بنی امیه صورت گیرد و خلافت و حکومت در مسیر اصیل و صحیح خود برگردانده شود: «سوگند به جان خودم، شایسته رهبری نیست مگر کسی که به قرآن عمل کند، بر پا دارنده عدل و متدین به دین حق باشد و جان خود را برای اجرای آن در راه خدا گرو بگذارد». [۱۱]. امام از یک سوی شایسته سالاری در امر خلافت و حکومت را طرح نموده و از سوی دیگر عدم لیاقت یزید را افشا می‌نماید و پیشاپیش برای تبیین مسئله، آن را تقابل حق و باطل معرفی می‌کند نه دعوی شخصی و قبیله‌ای: «ما و بنی امیه بر محور خداوند متعال با هم جنگ داریم؛ ما گفتیم خدا راست گفته است آنان گفتند خدا دروغ گفته است». [۱۲]. «آیا نمی‌بینید که به حق عمل نمی‌شود و از باطل جلوگیری نمی‌گردد. در چنین شرایطی شخص با ایمان به



حق باید از جان خود بگذرد و مشتاق لقاء باشد که من در چنین وضعی مرگ را جز شهادت و سعادت و زندگی با ستمگران را جز زندگی نکبت بار و ذلت نمی‌بینم» [۱۳]. بنابراین اگر خلیفه و زمامداری که باید نمونه عملی شریعت و قانون باشد، تظاهر به فسق و فجور نماید و در مقام مبارزه با خدا و رسول خدا و مردم با ایمان برخیزد، تسلیم و خضوع در برابر او یعنی تسلیم در برابر فسق و فجور و خضوع در برابر فحشا و منکر و ظلم و ستم، افشاگری امام از یک سو و رسوایی یزید در ظلم و ستم نمایی از سوی دیگر، آن چنان فضاحتی را برایش به بار آورد که مفتیان و عالمانی از اهل سنت مانند آلوسی [۱۴]، تفتازانی، [۱۵] شوکانی [۱۶]، جاحظ [۱۷] و ابن عماد حنبلی [۱۸] حکم به کفر یزید داده‌اند. به هر تقدیر ظلم ستیزی و جان باختن در این راه عاملی شد که ماهیت کریه و زشت بنی امیه افشاء و رسوا گردد و یک نفرت عمومی علیه حکومت یزید پیدا شود و بیداری جامعه و پیدایش انقلاب‌ها و تعرضها علیه حکومت بنی امیه صورت گیرد از قبیل: - انقلاب توابین - انقلاب مردم مدینه - قیام مختار ابی عبیده ثقفی - انقلاب زید بن علی بن الحسین (ع)

### کمالات و فضائل معنوی

این خصوصیات را انسان از بدو تولد به وسیله پدر و مادر و مربیان کسب می‌کند و عوامل تربیتی و محیطی روی او اثر می‌گذارد و یا بعدا با تلاش خود بدان می‌رسد. بدیهی است که هر اندازه زمینه‌های تربیت در فرد قوی‌تر باشد و از مربیان بهتری برخوردار باشد و خود نیز تلاش بیشتری نماید رشد و تکامل زیادتری خواهد یافت و کمالات بیشتری کسب خواهد کرد با توجه به این مقدمه یکی از ابعاد شخصیتی رهبری قیام عاشورا کمالات و فضائل معنوی اوست که از بالا-ترین کمالات وراثتی و بهترین بهره اکتسابی برخوردار بود. حضرت سیدالشهداء در فضایی نورانی و با صفا رشد و نمو یافت و تحت تعلیم مربیانی عالم به مبانی تربیت قرار داشت، آموختن علم از لبان وحی و نوشیدن شیر از سینه عصمت و طهارت همه نوع استعدادهای نهفته را در وجود او به فعلیت درآورده و آن چنان به آداب و سنن الهی مؤدب گشته بود که در عظمت و کرامت و نمای روحانی نمایانگر کمالات جد و پدر و مادر خویش بود. او از نظر پدر مادر و آباء دارای بهترین وراثت است. جدی چون رسول الله (ص) افضل پیامبران و اشرف اولاد آدم (ع) و پیامبر خاتم و رسول بر جن و انس و پدری چون علی مرتضی (ع) که در آفرینش از نبی اسلام جدا نیست. شخصیتی که قبل از هر کس در سن کودکی به اسلام گروید و پروانه وار دور شمع وجود پیمبر از وی حراست نمود و در پیش برد مکتبش از هیچ کوششی دریغ نورزید و همیشه تا پای جان ایستاده بود و آخرین کسی بود که پس از رحلت آن حضرت بعد از انجام مراسم تدفین او را در قبر نهاد و از او جدا شد و مادری چون فاطمه زهرا (س) سیده‌ی زنان دو جهان از اولین تا آخرین. روح بزرگ حضرت حسین (ع) در دامن عصمت مهد نبوت آن گونه تربیت شد که در برابر حوادث سهمگین روزگار نه تنها نشکست بلکه کوه مصائب را در آسیای اراده‌اش به خرد و خمیر تبدیل کرد. درخشش مقامات نفسانیه و صلابت کم نظیر حضرت در صفحات تاریخ، عقول همه سیاستمداران و اندیشمندان روزگار را متحیر ساخته است.

### استقامت در برابر مصائب

سیدالشهدا (ع) همواره از آغاز زندگی‌اش با غمها و مصائب هم آغوش بود، شاید اگر اندکی از مصیبت‌های دردناک و جانکاهی که بر او وارد شد، بر عالم و آدم روی می‌آورد، قالب تهی می‌کردند، لکن حضرت در رهبری عاشورا و پیش از آن، نه تنها ضعف و سستی در برابر حوادث از خود نشان نداد، بلکه عکس العمل او بسیار طبیعی بود و هرگز عاطفه‌ها و علاقه‌ها بر نیروی عقل و ایمان او غلبه پیدا نکرد. در حادثه کربلا- در شروع حرکت از مدینه تا ظهر عاشورا حضرت دمام حکایت گر رنج و تعب راه و منزلگاه بود و لذا از نیروها و عناصری جهت همراهی دعوت به عمل آورد که بهره‌ای از صبر و استقامت در برابر حوادث برده باشند

و به آنها فرمود: «ایها الناس، فمن كان منكم يصبر على حد السيف و طعن الاسنة فليقم معنا و الا فلينصرف عنا؛ [۱۹]. ای مردم، هر کدام از شما که تحمل تیزی شمشیر و زخم و ضربت نیزه را دارد همراه ما بماند و الا باز گردد». در صبح روز عاشورا به یاران چنین خطاب کرد: «صبرا بنی الکرام فما الموت الا قنطرة تعبر بكم عن البؤس والضراء الى الجنان الواسعة و النعيم الدائمة، صبر و مقاومت کنید ای بزرگ زادگان، چرا که مرگ، تنها پلی است که شما را از رنج و سختی عبور می‌دهد و به سوی بهشت گسترده و نعمت‌های همیشگی می‌رساند». و در تقویت روحیه اهل بیت خویش می‌فرمود: «استعدوا للبلای و اعلموا ان الله حامیکم و حافظکم و سینجیکم... [۲۰]. برای مقابله با بلاها آماده شوید و بدانید خداوند حامی، حافظ و نجات دهنده‌ی شماست». آری کاربرد عملی زهد در کوران زندگی همین است که سپری آهین در برابر حوادث بلاهای سخت پیش آمده برای انسان باشد. روح بلند رهبر عاشورا در کوره زهد آن چنان آبدیده شد که در طوفان بلاها و مصائب نه تنها تیره نگشت بلکه جلا و صلابت او به مراتب بیشتر گردید و آن چه این رهبری نهضت در برابر سپاه کفر سی هزار نفری در صحرای کربلا از خود ظاهر ساخت در حقیقت گوشه‌ای از عظمت و همت والای او بوده است. او هر گاه که شهیدی از اسب بر زمین در خون می‌غلثید مثنوی صبر و بردباری را می‌سرود. در برابر بی‌تابی اهل بیت در فراق قاسم بن الحسن صابرا نه فرمود: «صبرا یا بنی عمومتی صبرا یا اهل بیتی». [۲۱]. و در برابر عطش علی اکبرش که اظهار و تمنای آب می‌نمود، فرمود: «صبرا یا حبیبی؛ [۲۲]. صبر کن ای حبیب من.» و آن گاه که در لحظات آخرین خود بر زمین گرم کربلا افتاده بود با خدای خویش زمزمه نمود: «صبرا علی قضائک یا رب الا اله سواک [لا معبود سواک] صبرا علی حکمک یا غیاث من لا غیاث له؛ [۲۳]. در برابر قضای تو صبر می‌کنم ای پروردگار من، معبودی جز تو نیست ای پناه پناه آورندگان». البته این ویژگی را حضرت به بهای زهد و ریاضت مستمر کرده است.

## زهد و رضا

در اوصاف اخلاقی، رضا آخرین مرحله سلوک است و آن حاصل زهدی است که شخص تحصیل می‌نماید. زهد به معنای بی‌رغبتی به دنیا است. زهد در مسیر بندگی و عبادت اولین مرحله است، یعنی تا انسان دل از اغیار خالی نکند، هرگز طعم ایمان نمی‌چشد. امام صادق در این زمینه می‌فرماید: «درک شیرینی ایمان بر دل شما حرام است تا این که به دنیا بی‌رغبت شوید» [۲۴]. آنان که به مقام رضا رسیدند و به معرفت کامل دست یافتند در حقیقت زهد را سرمایه اولیه خود قرار دادند، پیمبران و امامان معصوم (ع) ما در بی‌میلی به دنیا ضرب المثل بودند، آنان از همه کس به معرفت الهی تشنه‌تر بودند و منزلی جز بارگاه حق تعالی نمی‌شناختند. حضرت در خانه‌ای رشد و نمو کرد که زهد به عنوان یکی از پایه‌های اخلاق و ایمان در آن حاکم بود و او از کودکی شاهد بود که پدرش همواره غذای خود را به افراد یتیم و بی‌چیز می‌داد مادرش تا پاسی از شب لباسهای کهنه را وصله می‌زد. «الاحر يدع هذه اللماظة لاهلها؟ انه ليس لانفسكم ثمن الا الجنة فلا تبعوها الا بها؛ [۲۵]. آیا هیچ آزاده‌ای نیست که این نیم‌خورده [دنیا] را برای اهلش واگذارد؟ یقیناً بهای وجود شما چیزی جز بهشت نیست. پس خود را جز به بهشت نفروشید». حضرت با مجاهدت، ریاضت و زهد ورزی خالصانه به مقام رضا رسیده بود و این مقام در یکایک برخوردهای حضرت با دشمن ظهور و بروز پیدا می‌نماید و کوفیان را نهیب می‌زند که شما کسانی هستید که رضایت و خواسته‌های دل خویش را بر رضای الهی ترجیح داده‌اید: «الا- افلح قوم آثروا مرضاة انفسهم علی مرضاة الخالق؛ [۲۶]. رستگار نخواهند شد قومی که رضایت خود را بر رضایت خداوند ترجیح دهند». ... هیچ یک از پیشامدهای تلخ ظاهری خللی در اراده مصمم حضرت در ادامه حرکت پدید نیامد و با دلی راضی به پیشواز حوادث می‌رفت. آن گاه که فرزندان ایشان را از اوضاع کوفه خبر داد در جواب فرمود: «همواره کار دست خدا بوده و هست. اگر قضای الهی بر چیزی نازل شود که دوست داریم و می‌پسندیم، خدا را بر نعمت‌هایش سپاس می‌گوییم و اگر قضای الهی میان ما و امیدمان فاصله انداخت باز هم از کسی که نیتش حق و شیوه‌اش تقوا باشد دور نیست». [۲۷]. این کلام امام (ع) در

مدینه در وقت وداع با قبر جدش رسول خدا هم اعلام شد: «اسئلك... ما اخترت من امری هذا ما هو لك رضی.» [۲۸]. این خصلت حضرت در همراهانش نیز ظهور و بروز کامل داشت. حضرت زینب در مجلس ابن زیاد آن گاه که والی مغرور کوفه او را مورد طعن و خطاب قرار داد که: «چگونه دیدی رفتاری را که خدا با برادرت نمود؟» فرمود: «ما رأیت الا جمیلاً؛ من غیر از خوبی و جمال چیزی ندیدم.» [۲۹]. این برخورد از سر رضایت و عاشقانه، فضای مجلس را علیه ابن زیاد متحول نمود و او را زمین گیر کرد. محققا وقتی انسان به عظمت صفات و اسماء الهی پی برد، بهت زده می‌شود و در آن وادی، پای عقل را چوبین دیده و در حرارت تمنا و خیرگی تماشا به یکباره می‌سوزد، پس طبعاً اراده‌ای که در این آتش صیقلی می‌شود، شکست ناپذیر است. نه رهبر عاشورا و نه هیچ یک از اهل بیت و اصحاب با مشاهده آن همه صحنه‌های دلخراش و فشارهای سخت درونی و بیرونی از پای درنیامدند و زبان اعتراض نگشودند. درک این حقیقت و این حالت در کمشکلی است، مشکل از آن جهت که عقل آدمی جز حیرت و شگفتی در این مقال به چیزی نمی‌رسد و در مقابل حرکات اعجاب آمیز سیدالشهداء زانوی تسلیم و عجز بر زمین می‌زند. امام زین العابدین در وصف این ویژگی در عمه خویش می‌فرماید: «در سفر اسارت از کوفه تا شام، بارها شاهد بودم که عمه‌ام زینب غذای خود را بین کودکان تقسیم می‌نمود و خودش از شدت گرسنگی و ضعف نماز شب را نشسته می‌خواند و در ایام سفر هیچ گاه نماز شب او ترک نشد.» [۳۰].

## شجاعت

یکی از اوصاف مجاهدین در مواجهه با دشمن در عرصه جنگ و دفاع داشتن روحیه فتوت و شجاعت است. این روحیه عامل نهراسیدن از مرگ و رویارویی با آن است که حضرت در قیام خونبار خود آن را به منصفه ظهور نهاده و همگان را شگفت زده کرد. امام در طول مسیر حرکت از مدینه تا کربلا همواره با اخبار و گزارش‌های مایوس کننده و تلخی مواجه می‌شد که هر یک از آنها می‌توانست مانع حرکت شوند. مورخان گزارش‌هایی از ملاقات بزرگان مکه و مدینه با امام ثبت کرده‌اند که آنان حضرت را از عواقب حرکت بیم داده‌اند از جمله عبدالله بن عمر گفت: «ای اباعبدالله، چون مردم با این مرد بیعت کرده‌اند و درهم و دینار نیز در دست اوست قهرا به او روی خواهند آورد و با سابقه دشمنی که این خاندان با شما دارند، می‌ترسم در صورت مخالفت با وی کشته شوی و گروهی از مسلمانان نیز قربانی این راه شوند... پیشنهاد من به شما این است که مانند همه مردم راه بیعت و صلح را در پیش گیرید و از ریختن (ریخته شدن) خون مسلمانان بترسید.» امام در مقابل این صحنه آرایبی، مصمم و استوار فرمودند: «ای ابوعبدالرحمن، مگر نمی‌دانی که دنیا آن چنان حقیر و پست است که سر بریده یحیی بن زکریا به عنوان هدیه و ارمغان به نزد فرد ناپاک و زناکاری از بنی اسرائیل فرستاده شد. مگر نمی‌دانی که بنی اسرائیل هر صبح هفتاد پیمبر را می‌کشتند و سپس به طور عادی مشغول کار خود می‌شدند...» [۳۱]. این پاسخ امام از آن بعد شجاعت و دلاوری نشأت می‌گیرد که لحظه‌ای حاضر به قبول بیعت و کنار آمدن با یزید نمی‌شود. و در روز عاشورا فرمود: «لا والله لا اعطیهم بیدی اعطاء الذلیل و لا افر فرار العیید؛ نه من دست ذلت به اینان می‌دهم و نه چون بردگان فرار می‌کنم [یا اقرار می‌کنم].» و یا در مواجهه با سپاه حر در موضع دیگری فرمود: «لیس شأنی شأن من یخاف الموت؛ شأن و موقعیت من، موقعیت کسی نیست که از مرگ بهراسد.» [۳۲]. بنابراین حماسه و شجاعت در حادثه کربلا، از مظاهر آشکاری است که دوست و دشمن به آن شهادت می‌دهد و آن را عامل درهم شکستن سپاه عبیدالله در روز عاشورا می‌دانند. آنانی صلاحیت و استحقاق رهبری جامعه بر اساس نص رسول الله را دارند که در برابر ستم و استبداد لحظه‌ای سر فرود نیاورده و داغ شکست و محکومیت را بر جبهه ستمکار و حکومت ظالمانه نهنند. بر این اساس با توجه به این که مایه شهامت و شجاعت، در متن قیام عاشورا و در عمل و گفتار رهبری عاشورا و شهدای کربلا موج می‌زند، سزاوار است که این محتوا برای مردم بهتر و بیشتر تشریح شود تا علاوه بر اشکی که بر مظلومیت شهدای کربلا و شهادت حسین بن علی (ع) می‌ریزند از شجاعت آنان

درس بگیرند، زیرا یاد آوری شهامت و حماسه سازی شجاعان کربلا- در مواجهه با مشکلات و آن همه داغ و مصائب می‌تواند جامعه و جوانان و دوستدار اهل بیت (ع) را شجاع و دلیر بار آورد. امام با آغوش باز و با شجاعتی خاص خود هنگام خروج از مکه به سوی عراق در میان جو اختناق و بهت و هراس، در میان افراد بنی هاشم و شیعیان خویش خطبه خوانده و در این خطبه بی هراس از سختی راه و مشکلات جانکاه با شهامت و دلیری از شهادت خویش خبر می‌دهند: «الحمد لله و ما شاء الله... و ما اولهنی الی اسلافی اشتیاق یعقوب الی یوسف...؛ مرگ بر انسانها لازم افتاده همانند اثر گردن بند که لازمه گردن دختران است و من به دیدار نیاکانم آن‌چنان اشتیاق دارم که یعقوب به دیدار یوسف داشت و برای من قتل گاهی معین گردیده است که در آن جا فرود خواهم آمد... از پیشامدی که با قلم قضا ثبت شده است، گریزی نیست، بر آن چه خدا راضی است، ما نیز راضی و خشنودیم... آگاه باشید هر یک از شما که حاضر است در راه ما از خون خویش بگذرد و جانش را در راه شهادت و لقای پروردگار نثار کند آماده حرکت با ما باشد که من فردا صبح حرکت خواهم کرد. انشاء الله.» [۳۳]. این قسمت را با استنادی از مخالفین و دشمنان امام در صحنه کربلا به پایان می‌بریم. یکی از روایان حادثه خونبار کربلا حمید بن مسلم است که شیخ مفید کلام و گزارش او را این گونه در کتاب گران سنگ خویش آورده است: «به خدا سوگند! هیچ محاصره شده‌ای در انبوه مردم را ندیدم که فرزندان و خاندان و یارانش کشته شده باشند و همچون حسین بن علی قویدل و استوار و شجاع باشد. مردان دشمن او را محاصره کرده بودند او با شمشیر بر آنان حمله می‌آورد و همه از چپ و راست فرار می‌کردند. شمر چون این صحنه را دید به سواره‌های خود فرمان داد تا به پشتیبانی نیروهای پیاده بشتابند و امام را از هر طرف تیرباران کنند.» [۳۴].

### جانفشانی و شهادت

صحنه عاشورا و دلاوری‌های سیدالشهداء و بنی هاشم و اصحاب او جلوه‌ی زیبایی از شهادت طلبی آنهاست. شهادت طلبی و با آغوش باز مرگ را پذیرا شدن در حادثه کربلا موج می‌زند. عاشورا صحنه‌ای از تجسم ایمان و عدالت و رسالت نجات بخشی امت از گرداب جهل و نادانی است. حضرت در هنگام حرکت و خروج از مدینه در نامه‌ای خطاب به بنی هاشم این گونه نگاشت: «... فان من لحق بی منک استشهد و من تخلف لم یبلغ الفتح والسلام؛ از شما هر که به من پیوندد به شهادت می‌رسد و هر کس هم تخلف کند و باز ماند به فتح نمی‌رسد والسلام.» [۳۵]. و یا در عبارت دیگری باز تصریح می‌نماید: «من کان باذلا فینا مهجته فلیرحل معنا؛ هر کس آمادگی بذل جان و مال خود را در راه ما دارد همراه ما بیاید.» [۳۶]. و یا در نیایشی در روز عاشورا شهادت را از درگاه الهی درخواست می‌نماید: «الهی و سیدی و ددت ان اقتل و احیی سبعین الف مره فی طاعتک و محبتک سیما اذا کان فی قتلی نصره دینک و احیاء امرک و حفظ ناموس شرعک؛ خدایا دوست دارم که کشته شوم و زنده گردم هفتاد هزار بار در راه طاعت و محبت تو، بخصوص اگر در کشته شدنم نصرت دین تو و زنده ماندن فرمانت و حفظ ناموس شریعت تو نهفته باشد.» [۳۷]. امام شهادت طلبی را بایی می‌دانست که ضمن بهره‌مندی خود از آن، بساط ظلم و ستم را فروخواهد ریخت و در روند تاریخ الگویی برای مبارزه با ستمکاران خواهد گردید. این شهادت طلبی در حقیقت تفسیر نور و زیبایی از مسئله مرگ و زندگی بود زیرا حیات و همراهی با حکومت وقت در نظر امام از کم‌ترین ارزشی برخوردار نبود چرا که «موت فی عز خیر من حیاه فی ذل؛ مرگ با عزت بهتر از زندگی با ذلت است.» عاشورا با ایثار خون سیدالشهداء و اهل بیت و اصحاب، فرهنگ سازی تاریخی نمود و زائران در کنار تربت شهیدان کربلا و در زیارتنامه آرزوی این فوز را می‌نمایند: «یا لیتنی کنت معکم فافوز فوزا عظیما.» [۳۸]. در کلمات و عبارات سیدالشهداء و اصحاب او شهادت طلبی در راه خدا موج می‌زند. این کلام یاران آن حضرت در شب عاشورا است: «الحمد لله اگر ما بنصرک و شرفنا بالقتل معک؛ سپاس خدایی را که با یاری کردن تو ما را گرامی داشت و با کشته شدن همراه تو، ما را شرافت بخشید.» [۳۹]. این عبارات در زمانی ابراز می‌شود که امام بیعت خویش از همگان برداشتند و فرمود هر کس می‌خواهد برود، برود

و آنان این گونه اعلام وفاداری نمودند. بنابراین، آن چه بر زیبایی‌های کربلا و قیام عاشورا افزوده و آن را الگویی برای تاریخ قرار داده است، روحیه استقبال از مرگ و شهادت بود که این روحیه نزد تمام ملت‌ها ارزشمند و پسندیده و عامل موفقیت در راه نیل به هدف می‌باشد. حضرت در اوائل صبح، وقتی عمر سعد تیر اول را رها کرد خطاب به یاران خویش فرمود: «قوموا رحمکم الله الی الموت الذی لا بد منه؛ برخیزید و به سوی مرگی که چاره‌ای از آن نیست بروید». [۴۰].

## پاورقی

- [۱] موسوعه کلمات الامام الحسین، ص ۲۹۱.
- [۲] بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۳۰۳.
- [۳] قندوزی حنفی، سلیمان بن شیخ ابراهیم، ینابیع الموده، ج ۳، ص ۵۱، و نیز ر.ک، مقتل الحسین - خوارزمی، ج ۲، ص ۵۹، و ۶۲.
- [۴] زیارت وارث، مفاتیح الجنان، ص ۴۲۷.
- [۵] موسوعه کلمات الامام الحسین، ص ۳۵۶.
- [۶] پیام در عاشورا، جواد محدثی، مرکز تحقیقات نهاد ولی فقیه در سپاه، صص ۱-۱۸۰، الهادی، اردیبهشت ۱۳۷۷.
- [۷] موسوعه کلمات الامام الحسین، ص ۳۶۰.
- [۸] ارشاد شیخ مفید، ج ۲، ص ۳۹.
- [۹] غزالی از نویسندگان نوگرای بزرگ مصری است که قائل این کلام است، ر.ک: اللواء الاسلام، سال ۱۹، ش ۱۰ (سپتامبر ۱۹۶۵) ص ۶۴۵ تا ۶۵۸.
- [۱۰] الکامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۴۸، و نیز ر.ک: الطبری، تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۰۴.
- [۱۱] الکامل، ج ۴، ص ۲۱، و نیز ر.ک: لاطبری، ج ۴، ص ۲۶۲.
- [۱۲] موسوعه کلمات الامام الحسین، ص ۵۶۳.
- [۱۳] الطبری، ج ۴، ص ۳۰۵؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۸۱.
- [۱۴] تفسیر روح المعانی، ذیل آیه ۲۳-۴ سوره محمد (ص).
- [۱۵] شرح عقائد النسفیة، ص ۱۸۸.
- [۱۶] نیل الاوطار.
- [۱۷] الرسائل، ج ۱۱، ص ۱۵، چاپ مصر سال ۱۳۸۴ هـ.
- [۱۸] شذرات الذهب، ج ۱، ص ۹-۶۸.
- [۱۹] ینابیع الموده، ص ۴۰۶.
- [۲۰] لهوف، ص ۸۱.
- [۲۱] بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۴۵، ص ۳۶.
- [۲۲] همان، ص ۴۵.
- [۲۳] مقتل الحسین، مقدم، ص ۳۵۷.
- [۲۴] اصول کافی، کلینی، ج ۳، ص ۹۴.
- [۲۵] نهج البلاغه، صبحی صالح، حکمت ۴۵۶.
- [۲۶] مقتل الحسین، خوارزمی، ج ۱، ص ۲۳۹، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۸۳.

- [۲۷] موسوعه کلمات الامام الحسین، ص ۳۳۶.
- [۲۸] موسوعه کلمات الامام الحسین، ص ۳۲۸.
- [۲۹] بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۱۶.
- [۳۰] زینب کبرا، اسماعیل منصوری، نشر آیه، ص ۳۸.
- [۳۱] مقتل الحسین، خوارزمی، ج ۱، ص ۱۹۲.
- [۳۲] احقاق الحق، ج ۱۱، ص ۶۰۱.
- [۳۳] اللهوف، ص ۵۳.
- [۳۴] الارشاد، ج ۲، ص ۱۱۱.
- [۳۵] مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۷۶.
- [۳۶] بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۶۶.
- [۳۷] معالی السبطين، ج ۲، ص ۱۸.
- [۳۸] مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، زیارت مطلقه امام حسین، زیارت هفتم، ص ۴۳۰.
- [۳۹] موسوعه کلمات الامام الحسین، ص ۴۰۲، و نیز ر.ک: کامل ابن اثیر، ج ۲، ص ۵۶۳.
- [۴۰] بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۲.

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن

منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.  
از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی  
ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه  
ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...  
د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای  
و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)  
ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...  
ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه  
ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال  
دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان  
تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶  
وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:

[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-(۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰  
۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید  
ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بپزدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».





مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

